



اصل تمرکز در آئین دادرسی مدنی

علی کاظمی^۱

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۲)

چکیده

اگرچه آزادی ارائه دلیل از سوی مدعی در زمان و مراحل مختلف دادرسی مطابق با هدف اصلی قانونگذار از وضع ماده ۱۹۹ یعنی کشف حقیقت است، ولی اگر قانونگذار در پذیرش دلیل از مدعی گشاده رویی از خود نشان دهد و اجازه دهد، هر لحظه مدعی اراده کند تا دلیل خود را ارائه دهد و در نتیجه مورد پذیرش دادگاه قرار گیرد؛ اطاله دادرسی را فرا می‌گیرد و نوعی بی‌نظمی در سیستم قضایی در پذیرش دلیل محسوب است. در تقابل اجرای عدالت با نظم در دادرسی؛ طرفداری محض از یکی به زیان دیگری می‌انجامد؛ برای همین با استقرا در قانون آ.د.م در پذیرش دلیل از سوی مدعی باید قائل به نوعی تمرکز در زمان ارائه ادله و ارائه کلی و یکجا بود تا با اجرای قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» هر دو هدف قانونگذار حاصل شود.

واژگان کلیدی

تمرکز در آیین دادرسی، ختم مذاکرات، دلیل جدید، ارائه دلیل

The principle of focusing on civil procedure

Abstract

Although the freedom to provide a reason from the claimant at different times and stages of the proceedings in accordance with the main purpose of the legislator is from the status of Article 199, namely, the discovery of the truth, but if the legislator shows and allows the legislator to admit the reason for the open minded claimant, he will decide at any moment To provide a reason for its decision and therefore to be admitted to the court; it will process the proceedings and a kind of disorder in the judicial system is accepted. In opposition to the implementation of justice with order in the proceedings; pure adherence leads from one to another; therefore, with the induction in law. D In accepting the reason, the claimant should consider a kind of focus at the time of the presentation of evidence and a general presentation in order to achieve both goals of the legislator.

Keywords

Focus on the procedure, Termination of negotiations. New reason, Provide reason.



مقدمه

مطابق با قاعده فقهی «البینه علی المدعی و الیمین علی من أنکر» (البجنوردی، ج ۳، ص ۶۹) ارائه دلیل بر عهده کسی است که ادعای وجود یا عدم تحقق امری را داشته باشد و ایشان است که در مقام مدعی بر آمده و عهده دار آوردن دلیل برمدعای خویش بوده؛ قاضی نیز که نا آگاه است میان دو شخص آگاه به حقیقت در راستای وظیفه‌ای (کشف حقیقت و فصل خصومت و احقاق حق موضوع مواد ۳ و ۱۹۹ از قانون آیین دادرسی مدنی) که به عهده دارد، می‌بایست تمام تخصص و تجربه و قوانین را به کار گیرد. قانونگذار قانون آیین دادرسی مدنی در فصل دهم مبحث اول کلیات رسیدگی به دلایل؛ در ماده ۱۹۹ از مقرر می‌دارد «در کلیه امور حقوقی، دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین دعوا، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد، انجام خواهد داد».

با بررسی اجمالی به این ابهام بر می‌خوریم که مدعی تا چه زمانی مختار است که ادله مبنی بر درستی ادعایش را ارائه دهد؟ یک پرونده از تقدیم دادخواست تا جلسه رسیدگی و از جلسه رسیدگی تا انشاء رای و اعتراضات بعدی (طرق معمول و غیر معمول شکایت از آراء)، مراحل متعددی را پشت سر می‌گذارد؛ حال اگر اعتقاد به مطلق بودن وظیفه کشف حقیقت توسط قاضی داشته باشیم نیابستی اعتقاد به وظیفه وضع قانون برای محدوده زمانی برای ارائه دلیل توسط قانونگذار برای مدعی در دعوی به معنای (شمس، ۱۳۹۲، ج ۱، ش ۴۹۱) حق تضییع و یا انکار شده باشیم و هرگاه که دلیل قابل قبولی از سوی مدعی ارائه گردد دادگاه الزاماً می‌بایست آن را مورد پذیرش قرار داده و آثار قانونی را بر آن مترتب دارد. با این حال این گشاده رویی قانونگذار و به تبع آن قاضی دادگاه با نظم دادرسی کنونی^۱ تباین آشکار دارد. همان مقدار که کشف حقیقت برای جامعه و قانونگذار اهمیت دارد، نظم و انضباط از جایگاه ویژه‌ای در آیین دادرسی مدنی برخوردار است. درست است که اقامه دعوی حق هر شهروند است؛ ولی نمی‌توان پذیرفت مدعی بدون برنامه ریزی و فراهم آوردن ادله کافی اقامه دعوی نماید و درست در زمانی که تمام اقدامات یاد شده در ماده ۱۹۹ توسط دادگاه به عمل آمد

۱ از جمله اقداماتی که در جهت نظم بیشتر در نظام قضایی صورت پذیرفت تشریفات زدایی حقوقی و مادی بوده تا با رعایت هرچه دقیق تر نظم و سرعت بالا دادگستریها بتوانند انجام وظیفه نمایند برای تفصیل بیشتر در زمینه تشریفات زدایی ر.ک: «محسنی حسن و همکار ۱۳۹۱ دادگستری و پیشرفت فن آوری ارتباطات و اطلاعات مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز دوره چهارم شماره دوم پاییز و زمستان ۱۳۹۱».

و ختم رسیدگی اعلام شد، مدعی لایحه‌ای تقدیم دارد و در آن به موارد جدیدی اشاره کرده که در صورت واقعیت داشتن آن‌ها و توجه دادگاه؛ سرنوشت دعوی از آنچه مقصود قاضی از نگارش و انشاء رأی بوده به کلی دگرگون خواهد شد. در چنین مواردی دوباره ماده ۱۹۹ قانون یاد شده خود نمایی می‌کند و به همین ترتیب اگر پیش رود و دادگاه گشاده رویی از خود نشان دهد ممکن است یک پرونده مدت‌های طولانی به نتیجه نرسد و اطاله دادرسی و بی‌نظمی سراسر دستگاه قضایی را فراگیرد.

دادگاه مطابق با ماده ۱۹۹ پیشگفت و ۳۶۲ از قانون یاد شده که مقرر می‌دارد: «ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر مسموع نخواهد بود...» می‌تواند در هر مرحله از دادرسی دلیل جدید از طرفین بخواهد و این که ماده ۳۶۲ از منع پذیرش ادعای جدید صحبت کرده با دلیل جدید متفاوت است کما اینکه در ماده ۵۰۹ از قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸ آمده بود که «براز دلایل جدید ادعای جدید نیست» و حقوقدانان (متین دفتری، ۱۳۹۱، ج دوم، ش ۳۰۷) نیز به آزادی ارائه دلیل در مراحل متعدد دادرسی اشاره نمودند.

با این حال با موارد متعددی در قانون آیین دادرسی مدنی مواجه می‌شویم که برای زمان ارائه دلیل از سوی مدعی سختگیری نموده و به تمرکز ارائه ادله در دادرسی توجه داشته است؛ برای نمونه قانونگذار در ماده ۲۱۹ از قانون پیشگفت مقرر داشته است «ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارک ارائه شده باید برابر ماده (۲۱۷) این قانون با ذکر دلیل اقامه شود، مگر اینکه دلیل ادعای جعلیت بعد از موعد مقرر و قبل از صدور رای یافت شده باشد؛ در غیر این صورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی‌دهد»؛ در این پژوهش در پی آنیم که به طور تفصیل بررسی شود که آیا در ارائه ادله از سوی مدعی در آیین دادرسی مدنی نوعی تمرکز ارائه ادله وجود دارد و به دنبال آن یک قاعده اصطیادی شناسایی شود و به دنبال آن استثنائات آن معرفی گردد و یا برعکس اصل و قاعده آزادی ارائه دلیل است و محدودیت ارائه امری استثنایی است که دو قسمت به بررسی آن می‌پردازیم.

۱- مفهوم تمرکز در زمان و ارائه ادله در آیین دادرسی مدنی

تمرکز در آیین دادرسی مدنی (le principe de la concentration des perocedures) به این مفهوم است که در زمان قانونگذاری و اجرای قانون توسط دادگاه‌ها به نحوی اندیشیده و عمل شود که از بی‌نظمی

در رسیدگی‌ها جلوگیری شود برخی حقوقدانان (محسنی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۲) کشورمان که به این اصطلاح و عبارات توجه نموده بر این باورند که به منظور ایجاد «تمرکز در آیین دادرسی» و همچنین برای ایجاد تعادل میان حدوث اطاله دادرسی و کشف حقیقت قضایی، به نظر می‌رسد، اولاً لازم است مقنن امکان و موارد و آثار صدور قرار ختم مذاکرات طرفین را پیش بینی کند تا بدین وسیله از پذیرش هرگونه لایحه یا موضوع و ادله موجد تاخیر پس از صدور این قرار جلوگیری شده و فرصت‌ها در آیین دادرسی مدنی در چارچوب نوعی نظم قرار گیرند. در ذیل این مبحث به تمرکز در زمان ارائه دلیل و تمرکز در ارائه همه ادله می‌پردازیم.

۱-۱- نظریه تمرکز در ارائه تمام ادله

قانونگذار در بند ۶ از ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته «۶- ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره، ادله مثبت به ترتیب و واضح نوشته می‌شود و اگر دلیل، گواهی گواه باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند»؛ گویی قانونگذار در بند یاد شده در صدد وضع این مقررده بوده است که خواهان الزاماً می‌بایست هر آنچه دلیل بر مدعای خود دارد را در ستون ذکر ادله در دادخواست؛ بیاورد و اگر خواهان ادله ای داشته باشد و آگاهانه یا از روی نا آگاهی آن را پیوست دادخواست نکرده است، ارائه بعدی آن مورد پذیرش نخواهد بود به عبارت دیگر گویی قانونگذار می‌خواسته این اصل را بیان کند که «ارائه جزئی ادله» مورد پذیرش نیست و اگر کسی مدعی وجود یا عدم تحقق امری است الزاماً باید هر آنچه دلیل دارد یکجا به دادگاه ارائه دهد.

نظریه ارائه کلی و یک‌جای ادله با نظریه و مقررده ارائه دلیل صرف نظر از ارائه یکجا و یا جزئی و ارائه اندک اندک آن‌ها متفاوت است که در بند دوم همین مبحث مورد بررسی واقع خواهد شد. ماده ۹۶ از قانون یاد شده مقرر می‌دارد «خواهان باید اصل اسنادی که رونوشت آن‌ها را ضمیمه دادخواست کرده است در جلسه دادرسی حاضر نماید. خواننده نیز باید اصل و رونوشت اسنادی را که می‌خواهد به آنها استناد نماید در جلسه دادرسی حاضر نماید...». در تقویت اندیشه یاد شده می‌توان استناد به واژه و عبارات «باید» و «اسنادی را که می‌خواهد به آنها استناد نماید» نمود و معتقد بود که اصولاً ارائه همه ادله باید توسط خواننده نیز صورت پذیرد و منظور از عبارت اسنادی یعنی همه اسناد وی می‌باشد؛ نه اینکه مختار باشند ادله خود

را نگه دارند و هر زمان صلاح بدانند آن را به دادگاه ارائه دهند؛ چرا که در صورت عدم پذیرش این تئوری نوعی بی‌نظمی روند دادرسی را فرا می‌گیرد. برای مثال اگر خواهان دو سند عادی در جهت اثبات ادعای خود ارائه دهد یکی را پیوست دادخواست و دیگری را بعد از پایان اولین جلسه دادرسی ارائه دهد؛ آن یکی که پیوست دادخواست شده بود به طرف مقابل ابلاغ شده و در جلسه دادگاه مورد تعرض شدید خواننده قرار گرفت که در پایان جلسه دادگاه خطاب خواهان^۱ که اصل آن را جهت ارائه به کارشناس تحویل دهد و به دفتر دستور لازم را می‌دهد؛ در همین فرض خواهان ممکن است بعد از جلسه دادگاه لایحه‌ای تقدیم دادگاه نماید که به پیوست آن روگرفت سند عادی دیگری که زمان طرح دعوا نیز در دست داشته است، باشد؛ حال تصور کنید وضعیت خواننده بی‌اطلاع و دادگاه که به ناچار خواهان را برای ادای توضیح می‌خواهد؛ حداقل اصول حق دفاع و تقابل در دادرسی نیز نقض شده‌اند.

۲- تمرکز زمان ارائه ادله در مراحل مختلف دادرسی

نظریه ارائه ادله صرف نظر از تمام یا برخی از آن‌ها در زمان خاص؛ در این اندیشه است که دادگاه نمی‌تواند اظهار نظر خویش را با این وصف که هر آن ممکن است مدعی دلیل جدید آورد به تأخیر اندازد و به مدعی این حق را نمی‌دهد که اداره دعوا^۲ را به دست گرفته و هر لحظه که بخواهد ادله خود را ارائه دهد چرا که دادگاه وظیفه^۳ ای که بر عهده آنان است و به دنبال آن باید هر چه سریعتر تکلیف دعوای مطرح شده را مشخص کند. قانونگذار در ماده ۲۱۷ از قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد «اظهار تردید یا نکار نسبت به دلایل و اسناد ارائه شده حتی الامکان باید تا اولین جلسه دادرسی به عمل آید و چنانچه در جلسه دادرسی منکر شود و یا نسبت به صحت و سقم آن سکوت نماید حسب مورد آثار سکوت و انکار بر او مترتب خواهد

۱ ناگفته نماند که خطاب دادگاه به خواهان از باب طرفداری و هشیار نمودن وی به ارائه دلیل در معرض خطر نبوده است، بلکه در راستای اصل تقابلی بودن و حقوق دفاع وی این کار را انجام می‌دهد و این امر با نظریات ارشادی دادرسی مبنی بر انجام یا عدم انجام کاری از سوی طرفین دعوی کاملاً متفاوت است برای مطالعه بیشتر مفهوم نظر ارشادی دادرسی رک: «محسنی حسن نظر ارشادی دادرسی فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی دانشگاه تهران دوره ۴۴ تابستان ۱۳۹۳ ص ۲۳۹-۲۲۵».

۲ برای توضیح اداره دعوا بنگرید به مقاله‌ای در این زمینه: «محسنی حسن ۱۳۸۹ فن اداره جریان دادرسی مدنی: سازماندهی دادرسی در قالب اصول دادرسی فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره ۴۰ شماره ۴ صفحات ۳۵۳-۳۶۸».

۳ ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی «قضات دادگاهها موظفند موافق قوانین به دعوا رسیدگی کرده حکم مقتضی صادر کنند یا فصل خصومت نمایند...»

شد. در مواردی که رای دادگاه بدون دفاع خوانده صادر می شود، خوانده ضمن واخواهی از آن انکار یا تردید خود را به دادگاه اعلام می دارد، نسبت به مدارکی که در مرحله واخواهی مورد استناد واقع می شود نیز اظهار تردید یا انکار باید تا اولین جلسه دادرسی به عمل آید» و در ماده ۲۱۹ از قانون یاد شده مقرر داشته «ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارک ارائه شده باید برابر ماده ۲۱۷ این قانون با ذکر دلیل اقامه شود، مگر اینکه دلیل ادعای جعلیت بعد از موعد مقرر و قبل از صدور رای یافت شده باشد؛ در غیر این صورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی دهد»؛ قانونگذار در این ماده به صراحت زمان ارائه ادله را از اهمیت بالایی برخوردار دانسته و بر این بوده که در راستای نظم بخشی در رسیدگی به دعاوی دست به معرفی یک قاعده بزند. در خصوص ارائه ادله در زمانهای خاص و یا آزادی در ارائه ادله در زمانی که دادرسی جاری است، مطالب زیر قابل بررسی خواهد بود.

۲-۱- ارائه ادله پیش از صدور حکم در مرحله نخستین

ارائه ادله قبل از صدور حکم در دو مرحله قابل تصور است؛ نخست ارائه دلیل از بدو ثبت دادخواست تا قبل از مرحله اعلام ختم رسیدگی و ارائه دلیل بعد از ختم رسیدگی و قبل از انشاء رأی که به طور مجزا مورد بررسی قرار می گیرند.

۲-۱-۱- ارائه دلیل در مهلت مقرر قانونی و قضایی تا قبل از اعلام ختم دادرسی

البته قانون آیین دادرسی مدنی چندان در مقابل مدعی چندان هم گشاده رو نیست که هر زمان که اراده کند ادله خود را ارائه نماید و با تاکتیک پیش رو گرفته وی، بازیچه اصحاب دعوی گردد، چرا که در ماده ۲۱۹ مقرر داشته است که بعد از مهلت های مقرر در قانون جهت ارائه ادله؛ اگر مدعی اقدام لازم را به عمل نیاورد دیگر دلیل وی را نمی پذیریم مگر اینکه دلیل وی بعد از موعد مقرر و قبل صدور رأی یافت شده باشد (شمس، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۱۹)؛ ماده ۲۱۹ از قانون یاد شده مقرر داشته «ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارک ارائه شده باید برابر ماده (۲۱۷) این قانون با ذکر دلیل اقامه شود؛ مگر اینکه دلیل ادعای جعلیت بعد از موعد مقرر و قبل از صدور رای یافت شده باشد؛ در غیر این صورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی دهد». در برخی از موارد ممکن است که دسترسی به دلیل نباشد و بعد از کشف آن بخواهد آن را ارائه نماید و یا ارائه

آن در مهلت مقرر به سختی امکان پذیر است یا متعذر است که مهلت مناسبی به وی داده می‌شود؛ چنانکه قانونگذار در ماده ۲۲۰ از قانون یاد شده مقرر داشته «ادعای جعلیت و دلایل آن به دستور دادگاه به طرف مقابل ابلاغ می‌شود؛ در صورتی که طرف به استفاده از سند باقی باشد، موظف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، اصل سند موضوع ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. مدیر دفتر پس از دریافت سند آن را به نظر قاضی رسانیده و دادگاه آن را فوری مهر و موم می‌نماید. چنانچه در موعده مقرر صاحب سند از تسلیم آن به دفتر خودداری کند، سند از عداد دلایل او خارج خواهد شد» و نیز در تبصره آن ماده مقرر می‌دارد «در مواردی که وکیل یا نماینده قانونی دیگری در دادرسی مداخله داشته باشد، چنانچه دسترسی به اصل سند نداشته باشد حق استمهال دارد و دادگاه مهلت مناسبی برای ارائه اصل سند به او می‌دهد».

قانونگذار به ترتیب گفته شده زمان‌های خاصی را جهت ارائه ادله به افراد داده است و درخصوص اینکه دادگاه هر لحظه باید آماده رویت و ارائه دلیلی از سوی اصحاب دعوی باشد، چندان به راحتی نمی‌پذیرد و ارائه دلیل را در زمان‌های خاص قرار داده و از مدعی انتظار دارد که ادله خود را مطابق با نظم دادرسی ارائه دهد؛ در غیر این صورت امکان نپذیرفتن آن وجود دارد.

۲-۱-۲- ارائه دلیل بعد از اعلام ختم رسیدگی

آغاز مرحله نخستین از تقدیم و ثبت دادخواست^۱ شروع شده و با انشاء رای^۲ خاتمه می‌یابد. برخی حقوقدانان (شمس، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۹۲) بر این اعتقادند که «تجویز طرح ادعای جدید پس از اعلام ختم دادرسی مستلزم رسیدگی به آن و در نتیجه از سرگیری و بازگشایی دادرسی است که نیاز به تصریح قانونی

۱ ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی: «شروع به رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد».

ماده ۴۹ مقرر می‌دارد: «مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید فوری آن را ثبت کرده، رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و سال و ماه) با ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده دادخواست بدهد و در برگ دادخواست تاریخ تسلیم را قید نماید. تاریخ رسید دادخواست به دفتر تاریخ اقامه دعوا محسوب می‌شود».

۲ ماده ۲۹۵ اشعار می‌دارد: «پس از اعلام ختم دادرسی در صورت امکان دادگاه در همان جلسه انشاء رای نموده و به اصحاب دعوا اعلام می‌نماید؛ در غیر این صورت حداکثر ظرف یک هفته انشاء و اعلام رای می‌کند».

دارد، درحقیقت اعلام ختم دادرسی گویای این است که دادگاه ترتیبات تحقیقی لازم را مورد دستور و اجرا قرار داده و به ادله طرفین توجه نموده بنابراین پس از اعلام ختم دادرسی پذیرش دلیل جدید و صدور دستور انجام ترتیبات تحقیقی ممنوع است» محکمه عالی انتظامی قضاات در حکم به شماره ۴۰۱۵ مورخ ۳۱ فروردین ۱۳۲۶ مقرر داشته‌اند «ایراد بر حاکم دادگاه به اینکه پس از اعلام ختم محاکمه قرار استماع شهادت شهود مدعی علیه را داده وارد است؛ زیرا حاکم دادگاه قبل از جلسه رسیدگی بایستی پرونده کار را مطالعه نموده پس از آن اقدام به ختم مذاکرات نماید و در این مورد که حاکم دادگاه پس از اعلام کفایت مذاکرات به جای اصدار رأی در اصل دعوی قرار می‌مبنی بر تحقیقات صادر و تعیین جلسه نموده کاشف است از اینکه قبلاً پرونده‌ی امر را مورد مطالعه قرار نداده است و طبق دستور ماده ۱۲۸ آیین دادرسی مدنی (ماده ۲۹۵ کنونی) عمل نشده و از این جهت در نظرش رسیدگی برای صدور رأی در ماهیت دعوا کافی نبوده است»^۱.

از مجموع مباحث گفته شده و مواد ۲۹۵ و ۲۹۶ قانون آیین دادرسی نکته به ذهن می‌رسد که گویی امکان ارائه دلیل تا قبل از ختم مذاکرات امکان پذیر و بعد از آن ممنوع است؛^۲ یعنی اگر دادگاه تنها یک جلسه تشکیل داده باشد و دستور وقت احتیاطی داده باشد و بعد از آن جلسه خواهان که در دعوی مطروحه ابتکار عمل به دستش بوده همه ادله را (بر فرض تجویز عدم تمرکز ارائه همه ادله) به محکمه ارائه نداد، بلکه به زعم خویش نوعی تاکتیک حقوقی را با آگاهی انتخاب نموده و با این عمل خویش دادگاه را به زحمت انداخته و به ناچار دادگاه را مواجه با دستور و تکلیف نموده است.

ماده ۲۱۹ از قانون یاد شده مقرر داشته «ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارک ارائه شده باید برابر ماده (۲۱۷) این قانون با ذکر دلیل اقامه شود، مگر اینکه دلیل ادعای جعلیت بعد از موعد مقرر و قبل از صدور رأی یافت شده باشد؛ در غیر این صورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی‌دهد»

۱ حکم شماره ۴۰۱۵ مورخ ۳۱ فروردین ۱۳۲۶ محکمه عالی انتظامی قضاات به نقل از: «شمس، عبدالله ۱۳۹۱، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته ص ۱۹۲ و ۱۶۳ ج ۲ چ ۲۹ تهران انتشارات دراک».

۲ نظریه مشورتی کمیسیون آیین دادرسی مدنی در شماره ۸۹ هفته دادگستری ص ۱۸ آورده شده «هرموقع رسیدگی خاتمه یافته و پرونده معد برای صدور حکم باشد دادگاه مکلف به ختم رسیدگی و صدور رأی می‌باشد و تعیین جلسه مجوزی ندارد» همچنین در نظریه شماره ۱۸۵۳/۷ مورخ ۲۱ ۱۰ ۸۲ آمده است که «در صورت اعلام ختم دادرسی دادگاه غیر از انشاء رأی نمی‌تواند اقدام دیگری انجام دهد؛ چون ماده ۱۷ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و ماده ۲۹۵ قانون آ.د.م ۱۳۷۹ در این خصوص تکلیف دادگاه را با صراحت مشخص نموده است...» ایرانی ارباطی، بابک، مجموعه نظرهای مشورتی حقوقی از ۱۳۴۲ تا ۱۳۸۵، چاپ دوم، سال ۱۳۸۵، تهران: انتشارات مجد.

۲-۱-۳ - از سرگیری مذاکرات مختومه در فرانسه

در حقوق فرانسه مطابق با مواد ۴۳۰ تا ۴۴۸ کد نوین آیین دادرسی مدنی فسخ یا از سرگیری مذاکرات یا مجادلات شفاهی بعد از معد پودن پرونده برای صدور رأی امکان پذیر بوده است؛ چنانکه ماده ۴۴۴ اصلاحی به موجب تصویب نامه شماره ۱۱۶۵-۲۰۱۰ مورخ اول اکتبر ۲۰۱۰ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد «رئیس می‌تواند دستور از سرگیری مذاکرات را صادر کند. او باید این کار را هنگامی انجام دهد که طرفین حتی به طور تقابلی نتوانسته باشند در خصوص تبیین امور حکمی و موضوعی که از ایشان خواسته شده اظهارات خود را بیان کنند. در فرض تغییر در ترکیب مرجع قضایی مذاکرات باید از نو انجام شود» (محسنی، ۱۳۹۳).

۲-۲ - ارائه دلیل پس از صدور حکم

بعد از صدور حکم به دلایل مختلف ممکن است از رای صادره شکایت گردد و حقوقدانان (متین دفتری، ۱۳۹۱، ج دوم، ش ۲۸۷؛ شمس، ۱۳۹۱، ص ۲۷۳ ج ۲؛ واحدی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷ به بعد؛ حیاتی، علی عباس، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵) کشورمان راه‌های مختلف را به طرق عادی شکایت از آراء و طرق غیر عادی و یا فوق العاده شکایت از آراء تقسیم نمودند که در ذیل این بند در دو قسمت ارائه دلیل در مرحله شکایت معمول و عادی و عمومی از آراء و راه‌های فوق العاده یا اختصاصی یا استثنایی؛ به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۲-۱ - ارائه دلیل در مرحله واخواهی و تجدیدنظر

ارائه دلیل در مرحله واخواهی توسط واخواه و واخوانده همسان نیست. مطابق با ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی در مواردی که رأی دادگاه بدون دفاع خوانده صادر می‌شود، خوانده ضمن واخواهی از آن انکار یا تردید خود را به دادگاه اعلام می‌دارد، نسبت به مدارکی که در مرحله واخواهی مورد استناد واقع می‌شود نیز اظهار تردید یا انکار باید تا اولین جلسه دادرسی به عمل آید؛ بنابراین حق ارائه دلیل و دفاع توسط واخواه که غایب بوده است مطابق با اصل «آزادی دفاع در دادرسی مدنی»^۱ پابرجا است و با توجه به

۱ برای مطالعه مفصل ر.ک: «کریمی عباس و محسنی حسن بهار ۱۳۹۰ اصل آزادی دفاع در دادرسی مدنی پژوهشنامه حقوقی سال دوم شماره اول بهار ۹۰ صفحات ۱۰۹-۹۳».

اینکه واخواهی نخستین پاسخ خواننده به دعوی خواهان است می‌توان در دادخواست واخواهی و یا لایحه پیوست آن هر یک از ایرادات را مطرح نماید (شمس، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۴۷۴-۴۱۷؛ شمس، ۱۳۹۱، ج ۲، صص ۳۱۰) تنها ماده‌ای که در خصوص زمان ارائه دلیل توسط واخواه به صراحت اشاره نموده ماده ۲۱۷ یاد شده است. در واقع زمان ارائه ادله واخواه همان زمان طرح دادخواست اعتراض واخواهی است؛ نه اینکه صرفاً اعتراض نماید و مثلاً صبر کند تا تشکیل جلسه ادله خود را ارائه دهد؛ بنابراین زمان ارائه ادله توسط واخواه همان زمان تنظیم دادخواست واخواهی است.

ارائه دلیل جدید در مرحله تجدید نظر در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مجاز شمرده شده بود. با توجه به اینکه قانونگذار طرح ادعای جدید را ممنوع شمرده بود؛ در ماده ۵۰۹ از قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸ آمده بود که: «ابراز دلایل جدید ادعای جدید نیست». دادگاه مطابق با ماده ۱۹۹ پیشگفت و ۳۶۲ از قانون یاد شده که مقرر می‌دارد: «ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر مسموع نخواهد بود...» می‌تواند در هر مرحله از دادرسی دلیل جدید از طرفین بخواهد و این که ماده ۳۶۲ از منع پذیرش ادعای جدید صحبت کرده با دلیل جدید متفاوت است و مورد تأیید حقوقدانان (شمس، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۲۰) نیز قرار گرفته است.

مطابق با ماده ۳۶۲ قانون یاد شده که مقرر می‌دارد «ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر مسموع نخواهد بود؛ ولی موارد زیر ادعای جدید محسوب نمی‌شود...» و ماده ۳۶۴ که مقرر می‌دارد در مواردی که رای دادگاه تجدید نظر مبنی بر محکومیت خواننده باشد و خواننده یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی حاضر نبوده و لایحه دفاعیه و اعتراضیه‌ای هم نداده باشند رأی تجدیدنظر ظرف بیست روز پس از ابلاغ واقعی قابل اعتراض به محکوم علیه یا وکیل او قابل اعتراض و رسیدگی در همان دادگاه تجدیدنظر می‌باشد. رأی صادره قطعی است؛ نیک می‌دانیم یکی از راه‌های اصلی در جهت دفاع از حقوق افراد در دادرسی مدنی تقابلی^۱ (کریمی، ۱۳۹۰، صص ۱۰۹-۹۳) این است که اصحاب دعوی از منظر حقوق و تکالیف در سطح و موقعیت برابر قرار گرفته و در این مرحله با توجه به اینکه خواهان و خواننده دعوی تجدیدنظر حق دفاع از حقوق خویش را دارند، لازمه آن ارائه دلیل جدید است.

1 le process contradictoire

این اندیشه نیز ممکن است طرح شود که اختلاف و تعارض و دفاع طرفین تنها نسبت به ادله ارائه شده در گذشته بوده و با نسخ قانون سابق معتقد باشیم که ارائه دلیل جدید در مرحله تجدیدنظر امکان پذیر نیست؛ ولی با توجه به بررسی مواد قانون آیین دادرسی مدنی می توان گفت پذیرش دلیل در این مرحله ناظر به جایی است که ارائه دلیل در مرحله بدوی امکان پذیر نبود یا اساساً به تازگی به دست آمده باشد، نه اینکه طرفدار پراکندگی ارائه ادله در زمان های و مراحل مختلف دادرسی باشیم که مغایرت با نظم بخشی به سیستم قضایی توسط قانونگذار و مردود است.

۲-۲-۲- ارائه دلیل در مرحله اعتراض ثالث، اعاده دادرسی و فرجام

ماده ۴۲۰ از قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «اعتراض ثالث اصلی باید به موجب دادخواست و به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رأی مورد اعتراض باشد. این دادخواست به دادگاهی تقدیم می شود که رأی قطعی معترض عنه را صادر کرده است. ترتیب دادرسی اعتراض ثالث اجرایی طاری؛ مانند مرحله نخستین خواهد بود» (محسنی، ۱۳۹۰). با تکیه بر صراحت قید اخیر ماده ۴۲۰، معترض باید ادله خود را پیوست دادخواست نماید. مطابق بند ۶ و ۷ ماده ۴۲۶ ارائه دلیل بعد از صدور حکم نیز پذیرفته شده است؛ ولی مشروط و مقید است به اینکه اثبات نماید بعد از صدور حکم به دست آمده باشند و در زمان دادرسی بر مدعی پوشیده نبودند و در اختیارش نبودند؛ گویی قانونگذار با این بند ۷ می خواسته ابراز کند که آنچه برایش از اهمیت بالایی برخوردار بوده رسیدن به حقیقت و حقگزاری و اجرای عدالت است؛ نه اینکه نظم مورد درخواستش موجب از بین رفتن حقوق افراد شود. بند ۵ ماده ۳۷۰ در مبحث دوم از موارد نقض در فرجام مقرر می دارد: «تحقیقات انجام شده ناقص بوده و با به دلایل و مدافعات توجه نشده باشد». در این بند قانونگذار نخواست است که ارائه دلیل جدید را بپذیرد؛ تنها به این امر توجه داشته که ممکن است ارائه دلیل در زمان ممکن از سوی مدعی صورت گرفته باشد؛ ولی مورد توجه قرار نگرفته باشد همان کاری که در بند ج ماده ۳۴۸ در جهات تجدید نظر انجام داده بود.

بحث و نتیجه گیری

قانونگذار به صورت پراکنده به مسئله تمرکز در آیین دادرسی مدنی پرداخته است؛ ولی به روشنی این که بخواهد یک اصل را معرفی کند نبوده تنها از استقراء در مواد آن قانون به این نتیجه منطقی می‌رسیم که تمرکز در ارائه دلیل در زمان مشخص و ارائه همه ادله مد نظر وی، جهت دفاع از حق خویش را مقرر نموده؛ و این قاعده به وسیله استقراء به دست می‌آید تنها جایی که ارائه دلیل جدید خارج از مهلت قانونی پذیرفته شده یک قید و شرط نیز برای پذیرش آن از سوی مدعی آورده است؛ از جمله قیود در ماده ۲۱۹ چنین آمده «بعد از موعده مقرر و قبل از صدور رای یافت شده» و نیز قید مندرج در ماده ۲۲۰ که چنین آمده «چنانچه دسترسی به اصل سند نداشته باشد» و نیز قید «در زمان دادرسی مکتوم بوده» مندرج در ماده ۴۲۶.

با جمع بندی این قیود می‌توان گفت نیت قانونگذار این بوده که یک اصل ارائه دهد؛ به این ترتیب که «ارائه همه ادله از سوی مدعی در زمان تقدیم دادخواست الزامی است به صورت ذکر در ستون ادله صورت پذیرد؛ مگر اینکه مدعی ثابت نماید که پس از طرح دعوی و در اثنای رسیدگی ذکر آن لازم گردید و یا در اثنای رسیدگی در دسترس نبوده و یا مکتوم بوده است». ایراد اینکه تشخیص و ارائه همه ادله از سوی وی نوعی سختگیری در حق وی است با رعایت نظم و انضباط دادرسی همخوانی و هماهنگی دارد و دلیلی ندارد مدعی بدون حدوث عنصر جدیدی در دادرسی از همان ابتدا راحت طلبی نموده و ادله خود را به اصطلاح عامیانه نسبه ارائه دهد و دادرسی را با آوردن دلیل و گشاده رویی از سوی مراجع قضایی تا زمان نامعلوم به درازا کشند و هر لحظه ارائه دلیل جدی از یک سو و ادعای جعل از و... از سوی طرف دیگر.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. ایرانی ارباطی، بابک ۱۳۸۵، مجموعه نظرهای مشورتی حقوقی از ۱۳۴۲ تا ۱۳۸۵، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم.
۲. شمس، عبدالله ۱۳۹۳، آیین دادرسی مدنی ج ۱، تهران: نشر میزان، چاپ سی و دوم.
۳. ————— ۱۳۹۱، آیین دادرسی مدنی ج ۲، تهران: انتشارات دراک، چاپ بیست و نهم.
۴. ————— ۱۳۹۰، آیین دادرسی مدنی ج ۳، تهران: انتشارات دراک، چاپ بیستم.
۵. حیاتی، علی عباس ۱۳۹۰، کلیات آیین دادرسی مدنی، تهران: نشر میزان.
۶. کریمی عباس و محسنی حسن بهار ۱۳۹۰، «اصل آزادی دفاع در دادرسی مدنی»، پژوهشنامه حقوقی سال دوم شماره اول.
۷. متین دفتری، احمد ۱۳۹۱، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی جلد دوم، تهران: انتشارات مجد. چاپ چهارم.
۸. محسنی، حسن ۱۳۹۳، آیین دادرسی مدنی فرانسه ترجمه و پژوهش تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
۹. ————— ۱۳۸۹، «فن اداره جریان دادرسی مدنی: سازماندهی دادرسی در قالب اصول دادرسی»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۴، صفحات: ۳۵۳-۳۶۸.
۱۰. ————— ۱۳۹۰، «شکایت ثالث از عملیات اجرایی»، فصلنامه حقوق خصوصی دانشگاه تهران، دوره هشتم شماره اول.
۱۱. ————— ۱۳۹۱، «دادگستری و پیشرفت فن آوری ارتباطات و اطلاعات»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره چهارم شماره دوم.
۱۲. ————— ۱۳۹۳، «نظر ارشادی دادرسی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی دانشگاه تهران، دوره ۴۴، صفحات: ۲۲۵-۲۳۹.
۱۳. واحدی، قدرت الله ۱۳۸۶، آیین دادرسی مدنی کتاب دوم، تهران: نشر میزان.

ب) منابع عربی

۱۴. بجنوردی، سید حسن ۱۴۱۹ ه.ق؛ *القواعد الفقهیه*؛ جلد سوم، قم: نشر الهادی، چاپ اول.

